



نمونه سوالات فصل چهارم فارسی دهم

گرفتن با
فیلمو مدرسه
راحت!

۲۰

FilimoSchool.com

- ویدیوهای آموزشی
- معلم خصوصی
- خلاصه درس و جزوه
- سوالات تستی و تشریحی

- ۱ در عبارت زیر، جمله وابسته (پرو) را مشخص کنید.
«چون به بصره رسیدیم از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم»
- ۲ معنی فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟
(الف) به گرز گران دست برد اشکبوس / زمین آهنین شد، سپهر آبوس
(ب) ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد
(پ) ریش برمی کند و می گفت: «ای دریغ / کافتاب نعمتم شد زیر میغ»
- ۳ معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.
(الف) معلّم فشوش بود.
(ب) مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت.
(ج) الهی، فضل خود را یار ما کن.
(د) تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد.
- ۴ کاربرد معنایی پسوند «ک» در واژه «روزک» با کاربرد آن در کدام گزینه یکسان است؟
(الف) خورجینکی بود که در آن کتاب می نهادم.
(ب) تا باشد که ما را دهکی زیادت تر در گرمابه بگذارد.
- ۵ با توجه به بیت زیر، یک معادل معنایی برای واژه «بیغوله» بیابید.
«بی تو در هر گوشه پایی در گل است / وز تو در هر خانه دستی بر سری»
- ۶ استنباط خود را از عبارت زیر بنویسید.
«هر چه بر او تنگ گرفتند، کمربند خود را تنگ تر بست تا دست آخر با حقارت زندگی هاما ن آخت شد».
- ۷ معنی و مفهوم هریک از عبارت های زیر را بنویسید.
(الف) خَلَف صدق نیاکان هنرور خود بود.
(ب) اسب از پهلوی، اسبی خود را به کمال نشان می داد.
- ۸ در کدام قسمت از این متن، می توان نشانه های شاعری نویسنده را یافت؟
- ۹ نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.
«صاد» هرگز جانوری جز از پهلوی نکشید.
- ۱۰ سپهری، برای کلمه ی «نقاشی کردن» از چه معادل های معنایی دیگری استفاده کرده است؟
- ۱۱ بیت زیر، با کدام قسمت درس (سفر به بصره)، ارتباط معنایی دارد؟
دوران روزگار به ما بگذرد بسی / گاهی شود بهار دگر که خزان شود (سعدی)
- ۱۲ معنا و مفهوم عبارت های زیر را به نثر روان بنویسید.
(الف) دست تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرقتی کند.
(ب) چون بر رقعهای من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست.
- ۱۳ واژه ها در گذر زمان، دچار تحول معنایی می شوند. برای پی بردن به این موضوع، معنای واژه های مشخص شده را با کاربرد امروزی آنها مقایسه کنید.
(الف) ما را به نزدیک خویش بازگرفت.
(ب) به مجلس وزیر شدیم.
(ج) شوخ از خود باز کنیم.
- ۱۴ معنای مختلف واژه ی «فضل» را با توجه به متن درس (سفر به بصره) بنویسید.

در زبان فارسی کلمه‌ای اهمیت املائی بیش‌تری دارد که یک یا چند حرف از حروف شش‌گانه‌ی زیر در آن باشد: اکنون از متن درس (سفر به بصره)، واژه‌هایی را که این نشانه‌ها در آن‌ها به کار رفته‌اند، بیابید و بنویسید.

ع، ت، ط، ح، ه	ذ، ز، ض، ظ	ث، س، ص، غ، ق

فیلیمو
مدرسه

- ۱ چون به بصره رسیدیم. (ص ۵۹)
- ۲ پ) ریش برمی‌کند و می‌گفت: «ای دریغ / کافتاب نعمتم شد زیر میغ» (ص ۶۱)
- ۳ الف) معلم پریشان و آشفته بود. (ص ۶۴)
ب) مرگت آن چنان زندگی را بی‌ارزش کرد. (ص ۳۲)
ج) خدایا بخشش خود را همراه ما کن. (ص ۱۰)
د) اندیشه و عاقبت‌نگری برادران برخلاف خواست و حکم خداوند بخشنده بود. (ص ۵۲)
- ۴ گزینه ب (ص ۶۱)
- ۵ گوشه (ص ۶۸)
- ۶ فشارها و بی‌مهری‌ها نیما را در راه خود مصمم‌تر می‌کرد تا در نهایت، با خواری زندگی پست مادی که جامعه را دربر گرفته بود، خو کرد و آنرا پذیرفت.
- ۷ الف) جانشین راستی پدران هنرمند خو بود.
ب) اسب از پهلوی، کمال و زیبایی خودش را بهتر نشان می‌دهد.
- ۸ معلم مرغان را گویا می‌کشید؛ گوزن را رعنا رقم می‌زد؛ خرگوش را چاپک می‌بست. سگ را روانه گرتنه می‌ریخت، اما در بی‌رنگ اسب حرفی به کارش بود.
- ۹ صاد: نهاد / هرگز: قید / جانوری: مفعول / پهلوی: متمم / نکشید: فعل
- ۱۰ نقش‌بندی، بستن، رقم زدن
- ۱۱ این هر دو حال در مدت بیست روز بود.
- ۱۲ الف) نیازمند بود و توان مالی نداشت تا وضعیت مرا بهبود بخشد.
ب) با خواندن نامه‌ی کوتاه من، شایستگی مرا بسنجد و ارزش مرا دریابد.
- ۱۳ الف) نگه داشت، مهمان کرد (امروزه: پس گرفت)
ب) رفتیم (امروزه: فعل اسنادی معادل گشتیم)
ج) بشویم، پاک کنیم (امروزه: جدا کنیم)
- ۱۴ دانش: «مردی اهل بود و فضل داشت.»
بخشش: «از فضل و رحمت کردگار، ناامید نباید شد.»

ع، ت، ط، ح، ه	ذ، ز، ض، ظ	ث، س، ص، غ، ق
عاجز	اطلاع	رحمت
اکرام	نازی	اهلیت
کاغذ / تازی	پلاس	قیم